



دکتر سید محسن میرباقری

مروری بر مباحث پیشین

در مقالات پیشین گفتیم که قرآن کریم، معاد را در دو مرحله مطرح می‌کند: مرحله نخست «برچیده شدن صحنه کلاس درس» و مرحله دوم «برپا شدن صحنه حساب و کتاب». در این مرحله دادگاه عدل الهی برپا می‌شود و پیامبران و شاهدان را می‌آورند تا مقدمات قضاوتی عادلانه فراهم آید. در این دادگاه به هیچ‌کس ظلمی نخواهد شد.

گروهی از شاهدان دادگاه قیامت، اعضا و جوارح انسان هستند و دسته دیگر فرشتگان و موارد دیگر؛ مثل خدای رحمان، زمین و خود انسان. گروهی از انسان‌ها هم که مقام نظارت و شهادت بر امت‌ها را داشته‌اند، جزو شاهدان قیامت هستند که حساب و کتاب در حضور آن‌ها انجام می‌شود و طبیعتاً آن‌ها نیز در اجرای مقررات الهی دستی خواهند داشت. این اولیای الهی سه گروه هستند که البته گروه‌هایی در مراتب پایین‌تر از این سه گروه نیز مقام شهادت را دارند، اما اغلب شاهدان از این سه دسته هستند: دسته نخست پیامبران و امت‌های آنان که هر کدام بر امت خویش ناظر و شاهد خواهند بود. دسته دوم امامان

امت اسلامی و دسته سوم، شخص رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله). این‌ها کسانی هستند که از طرف خداوند اجازه شفاعت دارند. حضور انبیا و اولیای الهی در صحنه دادگاه روز قیامت طبیعتاً برای شفاعت است تا اگر جایی لازم دیدند، به افراد کمک کنند.

همچنین گفتیم که در قیامت ظلم وجود ندارد. یعنی، کسی سر سوزنی بیش از آنچه که گناه کرده است، کیفر نمی‌شود. اما آیا بخشش و عفو الهی وجود نخواهد داشت؟ در پاسخ باید گفت که هرگز چنین نیست که خداوند درهای بخشش خود را ببندد. در روز قیامت درهای بخشش الهی باز خواهد بود و درهای رحمت بسیاری گشوده خواهد شد و یکی از بزرگ‌ترین درهای رحمت، همان «شفاعت» است. به این معنا که خداوند، به انسان‌های والا مقام و وارسته اجازه می‌دهد، کسانی را که اهل ایمان یا شایسته شفاعت هستند، همراهی و مشکلاتشان را حل کنند تا مؤمنان به خاطر مشکلات جزئی از ورود به بهشت رضوان محروم نشوند. بنابراین، در قیامت عدالت و رحمت با هم جمع‌اند.

اکنون در این مقاله ادامه بحث شهادت و نیز قضاوت در قیامت را بررسی می‌کنیم.

شهادت اولیای الهی و قضاوت بر حق درآمد

پیش‌تر گفتیم که شهید به معنای ناظر و شاهد است. همچنین، ناظران قیامت همان ناظران دنیا هستند؛ یعنی، کسانی که در قیامت مقام شهید دارند، در دنیا هم شهید هستند. اکنون پرسش این است که این افراد چه کسانی هستند. قرآن کریم پس از بیان مقدمه‌ای درباره‌ی روز قیامت (نساء/ ۴۰ و ۴۱)، برای هر امتی شهیدی را مطرح می‌کند. قرآن در آغاز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ...» (نساء/ ۴۰) در حقیقت، خدا هم‌وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند...

یعنی در روز قیامت هرگز کیفری بیش از حد وجود ندارد یا گناه را می‌بخشند و یا حداکثر مجازاتی معادل جرم در نظر می‌گیرند. ولی در مورد نیکی‌ها چنین نیست: «... وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا وَ يُوْتُ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء/ ۴۰): «... و اگر [آن ذره، کار] نیکی باشد، دو چندان می‌کند و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌بخشد.

از این رو در کیفر، ظلمی روا نمی‌شود، اما در نیکی‌ها بخشش وجود دارد. یعنی، در قیامت درهای رحمت باز است و این‌گونه نیست که پاداش‌ها تنها برابر اعمال باشد. اعمال را برای این محاسبه می‌کنند تا مشخص شود که هر کسی با عمل خود چه کار کرده است. با این همه درهای رحمت باز است. حال پرسش این است که: خداوند چگونه درهای رحمت را باز می‌کند؟ قرآن در پاسخ این پرسش می‌فرماید: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء/ ۴۱): پس چگونه است [حالتشان] آن‌گاه که از هر امتی گواهی بگیریم و تو را بر آنان گواه آوریم؟

به نظر می‌رسد که این دو آیه، که پشت سر هم قرار گرفته‌اند، یکی از راه‌های اجر عظیم الهی و دو چندان شدن نیکی‌ها را مطرح می‌کند. پیامبران الهی می‌آیند تا بر امت‌ها گواه باشند و مردمانی را که شایسته‌ی کمک هستند، یاری کنند؛ چنان‌که در همین سوره درباره‌ی حضرت عیسی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» (نساء/ ۱۵۹): و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود. پس این گواهی که در امت‌ها هستند، به قرینه‌ی

این آیه می‌توانند پیامبران و رسولان امت‌ها باشند؛ همان‌گونه که عیسی (علیه‌السلام) در روز قیامت بر اهل کتاب زمان خود گواه است. اما درباره‌ی امت اسلامی به صراحت اعلام شده است که امامان دوازده‌گانه در هر زمان شاهد و ناظر بر مردم زمان خود هستند و روز قیامت شاهد و ناظر بر آن‌ها. قرآن کریم این مطلب را در دو جا مطرح می‌کند که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

شهادت اولیای الهی

«... وَجِئَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشَّهَدَاءِ وَقَضَى بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ» (زمر/ ۶۹): «... و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری شود و مورد ستم قرار نگیرند.

ملاحظه می‌شود که پیش از آغاز داوری، پیامبران و شاهدان حاضر می‌شوند و بر صحنه محاسبه و قضاوت نظارت می‌کنند. قرآن کریم در آیات متعددی از این شاهدان سخن گفته که از جمله آن‌ها آیات زیر است:

● در آیه ۷۸ سوره مبارک حج درباره‌ی شاهد بودن پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌السلام) می‌فرماید:

«وَاجْهَدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَوْ كِبْرًا لِيُكُونَ الرَّسُولَ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شَهِدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ»

و در راه خدا چنان‌که حق جهاد [در راه] اوست، جهاد کنید. اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است.] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید، و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نمار را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید. او مولای شماست؛ چه نیکو مولایی و چه نیکو یآوری.

روایات زیادی ذیل این آیه از شاهد بودن ائمه هدی (علیهم‌السلام) خبر داده‌اند؛ از جمله روایت زیر که از امام باقر (علیه‌السلام) نقل شده است:

«... فرسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌والشاهید علینا بما بلغنا عن الله تبارک و تعالی و نحن الشَّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ صَدَقَ

در قیامت درهای رحمت باز است و این‌گونه نیست که پاداش‌ها تنها برابر اعمال باشد. اعمال را برای این محاسبه می‌کنند تا مشخص شود که هر کسی با عمل خود چه کار کرده است

پس رسول خدا شاهد بر ماست در آنچه از جانب خدا به ما رسانده است و ما در روز قیامت شاهد بر مردم هستیم. پس آنکه را که روز قیامت را تصدیق کند، تصدیق می‌کنیم و هر که را که آن را تکذیب کند، تکذیب خواهیم کرد



صدقناه يوم القيامة و من كذب كذبناه» پس رسول خدا شاهد بر ماست در آنچه از جانب خدا به ما رسانده است و ما در روز قیامت شاهد بر مردم هستیم. پس آنکه را که روز قیامت را تصدیق کند، تصدیق می‌کنیم و هر که را که آن را تکذیب کند، تکذیب خواهیم کرد. روزی **سلمان** از پیامبر (ص) درباره این آیه قرآن سؤال کرد: «یا رسول الله، چه کسانی هستند که شما شاهد بر آنان هستید و آنان شاهد بر مردم‌اند؟»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «مراد از شاهدان ۱۳ نفر هستند، نه سایر مردم.» وی پرسید: «یا رسول الله، این شاهدان چه کسانی هستند؟»

پیامبر اکرم فرمودند: «من و برادرم (علی ابن ابی طالب) و ۱۱ نفر از فرزندانم...»^۲ روشن است که همه امت نمی‌توانند بر اعمال مردم شاهد باشند، بلکه این شأن، از آن امامان معصوم (ع) است.

● در آیه ۱۴۳ سوره بقره می‌فرماید: «و کذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیدا...»؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر بر شما گواه باشد...»

در «تفسیر نورالثقلین» در حدیثی آمده است که از **امام صادق** (علیه‌السلام) درباره این آیه پرسش شد و ایشان فرمودند: «نحن الامة الوسطی و نحن شهداء الله علی خلقه و حجه فی ارضه...»؛ ما امت میانه هستیم و ما شاهدان بر خلق خدا و حجت‌های او در زمین هستیم.

● در آیه ۸۹ سوره نحل درباره شاهدان قیامت می‌فرماید: «و یوم نبعث فی کل امة شهیدا علیهم من انفسهم و جئنا بک شهیدا علی هؤلاء...»؛ و [به یادآور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم...»

مفسران، عبارت «و جئنا بک شهیدا علی هؤلاء» را دو گونه معنا کرده‌اند: نخست این که تو را هم می‌آوریم تا بر این امت شاهد باشی و معنای دوم که مناسب‌تر به نظر می‌رسد، این است که تو را می‌آوریم تا بر این شاهدان، شاهد باشی. با این نگاه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر پیامبران و شاهدان و کل صحنه قیامت شاهد خواهد بود.

● در آیه ۴۱ سوره نساء درباره شهادت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: «فکیف إذا

جئنا من کل امة بشهید و جئنا بک علی هؤلاء شهیدا». پس چگونه است [حالشان] آن گاه که از هر امتی گواهی گیریم و تو را بر آنان گواه آوریم؟

● قرآن کریم به نمونه‌ای از شهادت پیامبران گذشته در قیامت اشاره کرده است؛ آنجا که درباره حضرت عیسی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته و یوم القیامة یكون علیهم شهیدا» (نساء/ ۱۵۹)؛ و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.

اکنون این پرسش پیش می‌آید که: «شهادت شاهدان در چه اموری است؟»

در پاسخ آن باید گفت: «شهادت آنان هم در دنیا و هم در آخرت برقرار است.»

الف. شهادت اولیای الهی در دنیا و آخرت

۱. شهادت در دنیا

اولیای الهی در دنیا بر دو امر زیر شاهد هستند:

● شهادت بر اعمال

قرآن کریم می‌فرماید: «وقل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون و ستردون الی عالم الغیب و الشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون» (توبه/ ۱۰۵)؛ و بگو: [هر کاری می‌خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرسیست و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می‌شوید؛ پس شما را به آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد.»

در روایات بسیاری منظور از مؤمنون ائمه هدی (ع) ذکر شده است که این روایت از آن جمله است: عن یعقوب بن شعیب قال: «سألت ابا عبدالله (علیه‌السلام) عن قول الله عزوجل «اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون» قال: هم الائمة؛ **یعقوب بن شعیب** می‌گوید: «از امام صادق (علیه‌السلام) درباره این آیه پرسیدم. «اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون» (توبه/ ۱۰۵). فرمودند: منظور ائمه هستند.»

● شهادت بر مقدرات

در شب قدر، پس از رقم خوردن مقدرات الهی درباره افراد بشر، فرشتگان و روح القدس از عالم امر بر زمین فرود می‌آیند و به محضر امام وقت سلام می‌کنند (قدر/ ۴ و ۵). این نزول به همه

اموری که در عالم بالا تفریق و تقدیر شده، مربوط است (دخان/ ۴). رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی می‌فرمایند:

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «کان علی (علیه السلام) کثیراً ما یقول: [ما] اجتمع التیمی و العدوی عند رسول الله (صلی الله علیه و آله) و هو یقرأ: «انا انزلناه» بتخشع و بکاء فیقولان: ما اشد رقتک لهذه السورة؟ فیقول رسول الله (صلی الله علیه و آله): لما رأته عینی و عا قلبی، و لما یری قلب هذا من بعدی فیقولان: و ما الذی رأیت و ما الذی یری؟ قال: فیکتب لهما فی التراب «تنزل الملائکة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر» قال: ثم یقول: هل بقی شی بعد قوله عزوجل: «کل امر» فیقولان: لا، فیقول: هل تعلمان من المنزل الیه بذلک؟ فیقولان: أنت یا رسول الله، فیقول: نعم، فیقول: هل تكون لیلۃ القدر من بعدی؟ فیقولان: نعم، قال: فیقول: فهل ینزل ذلک الامر فیها؟ فیقولان: نعم، قال: فیقول: الی من؟ فیقولان: لا ندری، فیاخذ برأسی و یقول: ان لم تدریا فادریا، هو هذا من بعدی...»^{۶۹}

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که امام علی (علیه السلام) اغلب می‌فرمود که هر گاه برخی از صحابه خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بودند و آن حضرت سوره «انا انزلناه» را با خشوع و گریه تلاوت می‌فرمود، می‌گفتند که برای این سوره چرا سخت دلت نازک است؟! پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود: «برای آنچه چشمم دیده و دلم فهمیده و نیز برای آنچه دل این شخص، یعنی علی (علیه السلام)، پس از من درمی‌یابد» آن‌ها می‌گفتند: «مگر شما چه دیده‌اید و او چه می‌بیند؟» حضرت می‌فرمودند: «تنزل الملائکة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر» سپس فرمود: «می‌دانید آنکه هر امری بر او نازل می‌شود، کیست؟» می‌گفتند: «تو هستی ای رسول خدا.» می‌فرمود: «آری، ولی آیا شب قدر بعد از من هم هست؟» می‌گفتند: «آری.» می‌فرمود: «در شب‌های قدر پس از من هم آن امر نازل می‌شود؟» می‌گفتند: «آری.» می‌فرمود: «به چه کسی نازل می‌شود؟» می‌گفتند: «نمی‌دانیم.» پیغمبر دست بر سر من می‌گذاشت و می‌فرمود: «اگر نمی‌دانید، بدانید که آن شخص پس از من، این مرد است...»

۲. شهادت در آخرت

روز قیامت گواهان پیش از آغاز قضاوت حاضر می‌شوند و گویا صحنه محاسبه و داوری با حضور

آنان رسمیت می‌یابد. طبیعی است که این حضور باید حضوری مؤثر باشد، وگرنه ضرورتی نخواهد داشت. از این‌رو باید گفت که خدای رحمان به پیامبران و اولیای عظامش اجازه شفاعت و دخالت در داوری را داده است. قرآن کریم می‌فرماید: «یوم نحشر المتقین إلی الرحمن وفدا * ونسوق المجرمین إلی جهنم وردا * لا یملکون الشفاعة إلا من اتخذ عند الرحمن عهدا» (مریم/ ۸۷-۸۵): [یادکن] روزی را که پرهیزگاران را گروه‌گروه به سوی [خدای] رحمان محشور می‌کنیم و مجرمان را با حال تشنگی به سوی دوزخ می‌رانیم. [آنان] اختیار شفاعت را ندارند؛ جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است.

ب. قضاوت بر حق و به دور از ظلم

«... قضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون» (زمر/ ۶۹): ... و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند.

قرآن کریم قضاوت در قیامت را با دو ویژگی بیان می‌کند: نخست آنکه این قضاوت بر مبنای معیار حق است و دوم اینکه در این قضاوت ستمی روا نمی‌شود.

• قضاوت بر حق

معیار قضاوت در قیامت حق است و اعمال هر کس با معیار حق سنجیده می‌شود؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «والوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه فأولئک هم المفلحون * ومن خفت موازینه فأولئک الذین خسروا أنفسهم بما کانوا بآیاتنا یظلمون» (اعراف/ ۸ و ۹): و در آن روز، سنجش [اعمال] درست است. پس هر کس میزان‌های [عمل] او گران باشد، آنان خود رستگارانند و هر کس میزان‌های [عمل] او سبک باشد، پس آنانند که به خود زیان زده‌اند؛ چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند.

یکی از معانی این آیه چنین است که وزن هر چیز بر مبنای حق بودن و میزان حقی است که در آن وجود دارد. از این رو، حق را باید تعریف کرد تا روشن شود، حقی که معیار سنجش است، کدام است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ذلک بأن الله هو الحق وأن ما یدعون من دونه هو الباطل وأن الله هو العلی العکبر» (حج/ ۶۲): [آری،] این بدان سبب است که خدا خود حق است و آنچه به جای او می‌خوانند، آن باطل است و این خداست که والا و بزرگ است.

قرآن کریم
قضاوت در قیامت
را با دو ویژگی
بیان می‌کند:
نخست آنکه
این قضاوت بر
مبنای معیار
حق است و دوم
اینکه در این
قضاوت ستمی روا
نمی‌شود

زندگی دنیا به هدر رفته است و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند. [آری]، آنان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند. در نتیجه اعمالشان تباه گردید، و [در] روز قیامت برای آن‌ها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد. این جهنم سزای آنان است؛ چرا که کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به ریشخند گرفتند. ملاحظه می‌شود که همه معیارهای خدایی در اعمال، شرط لازم است و تنها کارهای به ظاهر نیک، اگر مبتنی بر ایمان به معاد نبوت نباشند، کارساز نخواهد بود و همین تأکید درباره ایمان به ولایت الله، یعنی امامت، در آیات و روایات ما بسیار دیده می‌شود. پس از ایمان و درجه معرفت، خلوص نیت، و پس از آن هماهنگی عمل با کتاب خدا و سنت معصومان (علیهم‌السلام) از شرایط ارزشمندی عمل و وزن آن در روز قیامت است.

● قضاوت به دور از ظلم

قرآن کریم در آیات بسیاری از دور بودن ظلم از ساحت قدس ربوبی، به‌طور عام، و از ستم نشدن به افراد در قیامت، به‌طور خاص، سخن می‌گوید؛ چنان‌که در آیه ۵۴ سوره یونس درباره صحنه قیامت می‌فرماید: «ولو أنّ لکل نفس ظلمت ما فی الأرض لافتدت به وأسروا الندامة لما رأوا العذاب وقضى بينهم بالقسط وهم لا یظلمون». و اگر برای هر کسی که ستم کرده، آنچه در زمین است، می‌بود، قطعاً آن را برای [خلاصی و] بازخرید خود می‌داد و چون عذاب را ببینند، پشیمانی خود را پنهان دارند و میان آنان به عدالت داوری شود و بر ایشان ستم نرود.

پاسخ به یک پرسش

چه بسا این تأکید قرآن کریم بر فقدان ظلم در داوری قیامت برای پاسخ به این شبهه باشد که: آیا این عذاب طولانی آخرت برای مجرمان در برابر عمر کوتاه دنیا و فرصتی محدود برای خطاکاری انسان، عادلانه است؟

گویا قرآن کریم می‌خواهد این ذهنیت را در مخاطبان خود ایجاد کند که به داوری الهی اعتماد داشته باشند و برای پرسش‌های خود دست‌کم این جواب را داشته باشند که ظلم و ستم از ساحت قدس خدای رحمان به دور است و در آن روز که حقایق پوشیده برملا شوند، همه به روشنی خواهند دید که داوری بر حق است و پاداش و کیفر نیز با اعمال متناسب است. البته

اگر این جمله‌ها را تعریف حق تلقی کنیم، معنایش این است که حق خدای رحمان است. بنابراین هر چیزی که با خداوند ارتباطی داشته باشد، حق خواهد بود. به بیان دیگر، هر چه از خدا باشد، حق خواهد بود و هر چه با او بیگانه باشد و رودرروی او قرار گیرد، باطل خواهد بود. اگر در اعمال موجود در پرورنده انسان امور خدایی بیشتر باشد، در این صورت پرورنده وزن بیشتری خواهد داشت و هر چه این امور در آن کمتر باشد، به سوی بی‌وزنی خواهد رفت. پس ایمان به خدا دارای وزن و ارزشمند است. علاوه بر این، محبت به خدا، اطاعت از او و اجرای اوامر الهی، تقوا در پیشگاه خدا و نیز پیروی از پیامبر اکرم (ص) و اولیای الهی است و محبت به آن‌ها و همچنین محبت به قرآن و ائمه هدی (علیهم‌السلام) و خلاصه هر آنچه مورد رضایت و عنایت خداست، در قیامت دارای وزن و ارزش خواهد بود. برعکس، هر چه از رنگ خدایی بی‌بهره باشد نیز بدون وزن و بی‌ارزش خواهد بود. به همین دلیل است که قرآن کریم می‌فرماید: «... فمن ثقلت موازینه فأولئك هم المفلحون * ومن خفت موازینه فأولئك الذین خسروا أنفسهم بما كانوا بآیاتنا یظلمون» (اعراف/ ۸ و ۹): پس هر کس میزان‌های [عمل] او گران باشد، آنان خود رستگاران‌اند. و هر کس میزان‌های [عمل] او سبک باشد، پس آنان‌اند که به خود زیان زده‌اند؛ چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند.

کسانی پرورنده‌ای پربار خواهند داشت که در دنیا زندگی خدایی داشته و امور خود را بر محور خدای سبحان تنظیم کرده‌اند. چنین افرادی در وضعیت زندگی خواهند کرد که از آن رضایت خاطر دارند و این وضعیت مورد پسند آنان است (قارعه/ ۶ و ۷). اما کسانی که زندگی دنیای خود را بر محور خدا تنظیم نمی‌کنند، پرورنده اعمال و میزان‌هایشان سبک خواهد بود. چنین افرادی به حقیقت زبانی سنگین خواهند کرد؛ زبانی در حد باختن همه هستی خویش. جایگاه این گروه نیز هاویه و جهنم خواهد بود (قارعه/ ۸ و ۹): «قل هل ننبئکم بالأخسرين أعمالا * الذین ضل سعیرهم فی الحیاة الدنیا وهم یحسبون أنهم یحسنون صنعا * أولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت أعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیامة وزنا * ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا واتخذوا آیاتی ورسلی هزوا» (کهف/ ۱۰۶-۱۰۳)

بگو: «آیا شما را از زبان‌کارترین مردم آگاه گردانم؟» [آنان] کسانی‌اند که کوشش‌شان در

آیا این عذاب طولانی آخرت برای مجرمان در برابر عمر کوتاه دنیا و فرصتی محدود برای خطاکاری انسان، عادلانه است؟





در صحنه حساب و کتاب قیامت، عفو و بخشش بسیار است و شفاعت نیز دری از درهای رحمت الهی است. ولی هیچ کیفری بیشتر از استحقاق وجود ندارد و به‌طور کلی مبنای برخورد خدای رحمان با بندگان چنین است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

«من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي إلا مثلها و هم لا يظلمون» (انعام / ۱۶۰): هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت، و هر کس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود.

در این آیه دو نکته مشاهده می‌شود:

الف. نیکی‌ها با ضرب ۱۰ محاسبه می‌شوند و البته این پایین‌ترین حد ضرب است، و گرنه در موارد دیگری تا ۷۰۰ برابر و بیشتر هم وعده داده شده است (بقره / ۲۶۱). ولی درباره بدی‌ها، جزا با عمل مطابق است و هیچ‌کس بیشتر از جرمش مجازات نمی‌شود؛ مگر درباره گناهی که آثاری مداوم داشته باشند.^۶

ب. درباره نیکی‌ها وعده پاداش قطعی داده شده است: «فله عشر امثالها» (انعام / ۱۶۰)، در حالی که درباره گناهان و بدی‌ها وعده‌ای قطعی داده نشده است، بلکه می‌فرماید که جز مثل آن مجازاتی نمی‌بینند. یعنی، ممکن است گناهان هم به دلایلی بخشیده شوند و همه یا بخشی از مجازات برداشته شود، ولی اگر هم بخشیده نشود، بیشترین مجازات با عمل برابر است. این لحن کلام در آیه زیر نیز دیده می‌شود: «وإذ تأذن ربكم لئن لآزیدنكم ولننكفرتن إن عذابی لشدید» (ابراهیم / ۷)؛ و آن‌گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاس‌گزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد، و اگر ناسپاسی کنید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.

ملاحظه می‌شود که در این آیه نیز درباره افزایش نعمت در برابر شکر با دو تأکید وعده قطعی داده است، در حالی که درباره کیفر در برابر کفران نعمت، وجود عذاب مطرح شده است، نه قطعیت آن. از این‌رو نمی‌فرماید: «لاعدبنکم»، بلکه می‌فرماید: «ان عذابی لشدید»

گویا این نکته مطرح است که امکان دارد خدای رحمان ناسپاسی شما را نادیده بگیرد که در موارد زیادی چنین است، ولی اگر اراده کیفر کند، عذاب خداوند شدید خواهد بود.

چکیده

● در روز قیامت درهای بخشش الهی و درهای رحمت بسیار گشوده است.

● پیامبران و شاهدان پیش از آغاز داوری در قیامت حاضر می‌شوند تا بر صحنه محاسبه و داوری نظارت کنند.

● پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر پیامبران، شاهدان و کل صحنه قیامت شاهد خواهد بود.

● شهادت شاهدان هم در دنیا و هم در آخرت برقرار است.

● اولیای الهی در دنیا بر دو امر مقدرات و اعمال شاهدند.

● شاهدان در قیامت حضوری مؤثر دارند و گرنه حضور آن‌ها ضرورتی نخواهد داشت. از این رو خداوند به پیامبران و اولیای خود اجازه شفاعت و دخالت در داوری را داده است.

● داوری قیامت دو ویژگی مهم دارد: نخست اینکه بر مبنای حق است و دیگر اینکه از هر سستی به دور است.

● نیکی‌ها با ضرب ۱۰ محاسبه می‌شوند و البته این پایین‌ترین حد ضرب است، در حالی که مجازات بدی‌ها با عمل مطابق است و هیچ‌کس مجازاتی بیشتر از جرم خود نمی‌بیند.

● درباره نیکی‌ها وعده پاداش قطعی داده شده است، در حالی که درباره بدی‌ها وعده‌ای قطعی داده نشده است، بلکه می‌فرماید جز مثل آن مجازاتی نمی‌بینند.

پی‌نوشت‌ها

۱. نورالتقلین، ج ۵، ص ۶۴، به نقل از: اصول الکافی، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۴.
۲. نورالتقلین، ج ۵، ص ۹۸، به نقل از: کمال‌الدین، ص ۲۷۸، ح ۲۵.
۳. نورالتقلین، ج ۱، ص ۱۶۵، به نقل از: الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۲.
۴. نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۰۴، به نقل از: اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۲.
۵. الکافی، ج ۱، ص ۲۵۰.
۶. مجازات آن‌ها هم هرچند طولانی است، ولی این طولانی بودن به دلیل مداومت آثار این گناهان است و در حقیقت نتیجه عمل آن‌هاست. از این رو عادلانه است و به‌گونه‌ای نیست که مجازات از خود عمل بیشتر باشد.

شاهدان در قیامت حضوری مؤثر دارند و گرنه حضور آن‌ها ضرورتی نخواهد داشت. از این رو خداوند به پیامبران و اولیای خود اجازه شفاعت و دخالت در داوری را داده است